

خدا جون سلام به روی ماهت...

# مایکل وی ۸

## انگل



ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!



انگل

ریچارد پُل اوانز  
مروا باقریان

سرشناسه: اونز، ریچارد پُل، ۱۹۶۲-م.  
- Evans, Richard Paul, 1962  
عنوان و نام پدیدآور: انگل / نویسنده: ریچارد پُل اونز؛ مترجم: مروا باقریان؛ ویراستار: آزاده دهقانی  
مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۴۰۲.  
مشخصات ظاهری: ۴۲۴ ص: ۲۱/۵×۱۴/۵؛ س.م.  
فروست: مایکل وی: ۸  
شابک: دوره: ۷-۱۰۰-۴۶۲-۶۰۰-۹۷۸-۳: ۶۲۲-۲۷۴-۶۲۲-۹۷۸-۳  
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا  
یادداشت: عنوان اصلی: The parasite, 2022  
موضوع: داستان‌های نوجوانان آمریکایی \_ قرن ۲۱م.  
موضوع: Young adult fiction, American-21th century  
شناسه‌ی افزوده: باقریان، مروا، ۱۳۷۲، مترجم  
رده‌بندی کنگره: PS ۳۵۵۲  
رده‌بندی دیویی: [ج] ۸۱۳/۵۴  
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۹۲۸۵۱۷۵  
۷۲۷۳۰۱



انتشارات پرتقال

مایکل وی ۸: انگل

نویسنده: ریچارد پُل اونز

مترجم: مروا باقریان

ناظر محتوایی: آزاده کامیار

ویراستار ادبی: آزاده دهقانی

ویراستار فنی: فاطمه صادقیان - سهیلا نظری

طراح جلد نسخه‌ی فارسی: مهدیه عصارزاده

آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: مینا فیضی - شهرزاد شاه‌حسینی

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی

شابک: ۳-۶۲۲-۲۷۴-۶۲۲-۹۷۸

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه

قیمت: ۲۴۹۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۳۵۶۴



۰۲۱-۶۳۵۶۴



www.porteghaal.com



kids@porteghaal.com

تقدیم به گلن پک. ممنونم که از همان ابتدا  
به مایکل وی باور داشتی.  
ر.پ.ا



پرونده: جوانان الکتریکی

## مایکل وی

قدرت: می‌تواند با تماس مستقیم یا از طریق رسانه به دیگران شوک وارد کند. همچنین قادر است قدرت بچه‌های الکتریکی دیگر را جذب کند.

مایکل از تمام بچه‌های الکتریکی قدرتمندتر و رهبر گروه الکتروکلن است. در حال حاضر در دانشگاه ایالتی بویزی دانشجوی رشته‌ی مدیریت کسب‌وکار است و برای روزی آماده می‌شود که به جای پدرش ریاست شرکت ویتریک<sup>۱</sup> (الجن سابق) را بر عهده بگیرد. بسیاری از اهالی تووالو هنوز فکر می‌کنند مایکل ایزد آذرخش است؛ یوبیرا تِ آتوآ<sup>۲</sup>.

## اوستین لیز

قدرت: از بچه‌های الکتریکی نیست.

---

1. Veytric

2. Uira te Atua

اوستین پسری بسیار باهوش، با بهره‌ی هوشی ۱۵۵ است؛ یعنی هوشی در حد برندگان جایزه‌ی نوبل. یکی از سه عضو اصلی الکتروکلن و بهترین دوست مایکل است. در حال حاضر در دوره‌های پیشرفته‌ی ریاضی فیزیک دانشگاه گلنیک در شهر پاسادنا‌ی ایالت کالیفرنیا نام‌نویسی کرده است. اوستین دوست صمیمی مک کیناست.

### تایلور ریدلی

قدرت: می‌تواند سیناپس‌های الکتریکی مغز را به هم بریزد و موقتاً فرد را گیج کند. همچنین قادر است ذهن آدم‌ها را بخواند.

تایلور خواهر دوقلوی تارا و یکی از سه عضو اصلی بنیان‌گذار الکتروکلن است. تایلور و مایکل وقتی در دبیرستان میریدیان درس می‌خواندند قدرت‌های همدیگر را کشف کردند. تایلور و خواهر دوقلویش، تارا، هم‌خانه‌اند، همچنین هر دو دانشجوی رشته‌ی روان‌شناسی در دانشگاه ایالتی آریزونا در شهر فینیکس هستند. علاوه بر توانایی به هم ریختن مغز و ذهن‌خوانی، اخیراً قدرت جدیدی هم در تایلور ظهور کرده است. او حوادث را پیش از وقوع در خواب می‌بیند.

### آبیگیل

قدرت: با تحریک الکتریکی قسمت‌های معینی از مغز می‌تواند موقتاً جلوی درد را بگیرد.

آبیگیل به‌خاطر نافرمانی از هتچ، همراه ایان و مک‌کینا، سال‌ها زندانی الجن بود. او بعد از فرار از زندان آکادمی الجن، معروف به برزخ، به الکتروکلن پیوست. در حال حاضر در دانشگاه تکزاس کریستین در شهر فورت وورث<sup>۱</sup> ایالت تکزاس درس می‌خواند و می‌خواهد متخصص هوش‌بری شود.

---

1. Fort Worth

## بریان<sup>۱</sup>

قدرت: می‌تواند الکتروسیته‌ی بسیار متمرکز تولید کند و با استفاده از آن اشیا را ببرد. بریان یکی از نورانی‌های هتچ و یکی از آن دو نورانی است که هنوز به الجن سابق وفادار مانده‌اند. از زمان سقوط الجن، مکان بریان نامعلوم است. احتمال دارد با کابلی باشد.

## کیسی

قدرت: الکتریکی بسیار قدرتمندی است و می‌تواند از فاصله‌ای بیش از دو کیلومتر عضلات فرد را از کار بیندازد؛ همچنین قادر است باعث حمله‌ی قلبی بشود. پیش از آنکه الجن از وجود کیسی باخبر شود، صدا کیسی را نجات داد و او را در سوئیس بزرگ و تربیت کرد. کیسی در حال حاضر با دکتر کونرات در سوئیس کار می‌کند و رابط ویتریک و اتحادیه‌ی اروپا است. کیسی بعد از جنگ تایوان به یکی از طرفداران پروپاقرص مایکل تبدیل شد.

## گریس

قدرت: گریس حکم یک هارددیسک انسانی را دارد و می‌تواند حجم زیادی از اطلاعات الکترونیکی را ذخیره و منتقل کند. گریس با الجن زندگی می‌کرد، اما وقتی الکتروکلن‌ها، در آکادمی الجن، هتچ را شکست دادند به گروه آن‌ها پیوست. او با گروه مقاومت همکاری کرد، اما در هیچ کدام از مأموریت‌های الکتروکلن حضور نداشت. بعد از سقوط الجن زیر دست کارل وی در ویتریک مشغول به کار شد.

## ایان

قدرت: می‌تواند با استفاده از مکان‌یاب الکتریکی همه‌چیز را ببیند؛ این همان

---

1. Bryan

روشی است که کوسه‌ها و مارماهی‌ها برای دیدن محیط در آب تیره و گل‌آلود استفاده می‌کنند.

ایان هم با مک کینا و ایبگیل، به‌خاطر نافرمانی از هتچ سال‌ها زندانی الجن بود. بعد از فرار از زندان آکادمی الجن، به الکتروکلن پیوست. درحال حاضر هدایت یک گروه کاوشگر اقیانوس را بر عهده دارد که در پی گنج و لاشه‌ی کشتی‌های غرق‌شده هستند. شبکه‌های دیسکاور<sup>۱</sup> و هیستوری<sup>۲</sup> هم او را در برنامه‌هایشان نشان داده‌اند. درحال حاضر با تیم هورپس<sup>۳</sup> تهیه‌کننده‌ی مطرح، روی مستندی به نام کشف راز آتلانتیس کار می‌کند.

## جک

قدرت: از بچه‌های الکتریکی نیست.

جک وقت زیادی را در باشگاه می‌گذراند و بسیار قوی‌هیکل است. از ماشین و هرچه به ماشین مربوط است خوب سر درمی‌آورد. اول یکی از مزاحم‌های قلدر مایکل بود، اما بعد از آنکه مایکل برای نجات جان مادرش از دست دکتر هتچ، با رشوه دادن به او ازش کمک گرفت، جک هم به الکتروکلن پیوست. در شرکت ویتربیک (الجن سابق) به‌عنوان معاون سرپرست بخش امنیت استخدام شده است و درحال حاضر، در آمریکای شمالی مستقر است. همین فاصله، بین او و ایبگیل، که در دانشگاه تکزاس کریستین در شهر فورت وورث ایالت تکزاس درس می‌خواند، جدایی انداخته است.

## کایلی

قدرت: از بدو تولد قادر بوده نیروی الکترومغناطیسی تولید کند. می‌شود گفت یک آهن‌ربای انسانی است.

---

1. Discovery Channel

2. History Channel

3. Tim Horejs



یکی از نورانی‌های هتچ است و بیشتر وقتش را به خرید کردن می‌گذراند. کاپلی و بریان تنها نورانی‌هایی هستند که بعد از نبرد هادس به هتچ وفادار ماندند. درحال حاضر مثل بریان فراری و مکانش نامعلوم است.

### مک‌کینا

قدرت: می‌تواند نور و حرارت تولید کند و دمای بدنش را تا سه هزار کیلوین بالا ببرد. مک‌کینا همراه ایان و ابیگیل، به خاطر نافرمانی از هتچ سال‌ها زندانی الجن بود. بعد از فرار از زندان آکادمی الجن، معروف به برزخ، به الکتروکلن پیوست. مک‌کینا در دانشگاه استنفورد دانشجوی رشته‌ی مهندسی مکانیک گرایش حرارت و سیالات است. مک‌کینا و اوستین هنوز هم به گفته‌ی اوستین یک واحد هستند.

### نیشل

قدرت: نیشل مثل یک میدان الکتریکی عمل می‌کند و می‌تواند قدرت بچه‌های الکتریکی دیگر را شناسایی و تخلیه کند. همچنین می‌تواند قدرتشان را تقویت کند، البته نه به اندازه‌ی تِسا.

در اصل نیشل به هتچ امکان اعمال قدرت بر بچه‌های الکتریکی دیگر را می‌داد، تا اینکه در نبرد آکادمی الجن، هتچ او را رها کرد. با وجود دلواپسی‌های تمام اعضا، الکتروکلن او را برای همراهی در عملیات نجات ازدهای یشمی به خدمت گرفت و به این ترتیب نیشل به یکی از اعضای وفادار الکتروکلن تبدیل شد. درحال حاضر در اسپوکین واشینگتن زندگی می‌کند و در دانشگاه گونزاگا درس می‌خواند.

### کوئنتین

قدرت: می‌تواند پالس‌های الکترومغناطیسی مجزا تولید کند و با استفاده از آن تمام وسایل الکتریکی را تا شعاع هجده متری از کار بیندازد.

کوئنتین سردسته‌ی نورانی‌های هتچ است. قبل از کناره‌گیری‌اش، در الجن جانشین فرمانده به حساب می‌آمد، یعنی فقط یک درجه پایین‌تر از هتچ بود. حالا از اعضای الکتروکلن است. پس از سقوط الجن، به فلوریدا آمد و کسبوکارهای مختلفی راه انداخت، از جمله یک باشگاه شبانه‌ی پررونق به اسم کیو.

### تانر

قدرت: می‌تواند در سیستم مسیریابی الکتریکی هواپیماها اختلال ایجاد کند و باعث نقص فنی و سقوط هواپیما شود. قدرت‌های او چنان پیشرفته‌اند که از روی زمین این کارها را می‌کند.

تانر بعد از تحمل سال‌ها بدرفتاری الجن، به کمک الکتروکلن از نیروگاه استارسورس پرو نجات پیدا کرد. پس از آن با گروه مقاومت ماند تا بتواند به حالت عادی برگردد، اما در نهایت در نبرد هادس جانش را از دست داد. بنای یادبود او و دیگر قهرمانان از دست‌رفته، در شمالی‌ترین قسمت جزیره قرار دارد.

### تارا

قدرت: تارا هم مثل خواهر دوقلویش می‌تواند عملکرد طبیعی الکترونیکی مغز را به هم بریزد. او با سال‌ها تمرین و پرورش قدرت‌هایش، یاد گرفته است روی قسمت‌های خاصی از مغز تمرکز کند و در فرد احساساتی مثل ترس و شادی را به وجود بیاورد.

تارا خواهر دوقلوی تایلور است (بعد از تولد، دو خانوادگی متفاوت آن‌ها را به فرزندی پذیرفتند)، از شش سالگی با الجن و هتچ زندگی می‌کرد. حالا تارا و خواهر دوقلویش، تایلور، هم‌خانه‌اند، همچنین هر دو دانشجوی رشته‌ی روان‌شناسی در دانشگاه اباتی آریزونا در شهر فینیکس هستند.

## تسا

قدرت: توانایی‌های تسا نقطه‌ی مقابل قدرت اصلی نیشل است. تسا می‌تواند قدرت بچه‌های الکتریکی دیگر را تقویت کند.

تسا از الجن در نیروگاه استارسورس پرو گریخت و شش ماه با قبیله‌ای بومی به نام آماکارا در جنگل‌های آمازون زندگی کرد. بعد از آنکه قبیله، مایکل را از چنگ الجن نجات داد و آن دو را باهم آشنا کرد، تسا به الکترولکن پیوست. درحال حاضر فقط از زندگی لذت می‌برد، نقاشی می‌کشد و روی کتابی درباره‌ی ماجراجویی‌هایش در جنگل و زندگی با قبیله‌ی آماکارا کار می‌کند.

## تورستین<sup>۱</sup>

قدرت: یکی از مرگبارترین بچه‌های الکتریکی است و می‌تواند ریزموج تولید کند.

تورستین یکی از نورانی‌های هتچ است. او در ساخت نیروگاه استارسورس پرو نقش بسیار مهمی داشت. تورستین همراه همیشگی کوئنتین است. همیشه دنبال هیجان بود و شخصیتی افراطی داشت و با قدرت‌هایش به تنهایی می‌توانست در جنگل‌های پرو مارهای آناکوندا و جگوارها را شکار کند. بعد از سقوط الجن، با کوئنتین به فلوریدا رفت، اما به‌خاطر تمایلش به زندگی پرخطر، هم‌نشین آدم‌های ناباب شد.

## وید

قدرت: از بچه‌های الکتریکی نیست.

وید دوست صمیمی جک بود و هم‌زمان با او به الکترولکن پیوست. او در حمله‌ی غافل‌گیرانه‌ی یکی از مأمورهای الجن در جنگل‌های پرو کشته شد. به درخواست جک، در همان نقطه از جنگل که وید جانس را از دست داد، برای

---

1. Torstyn

دوستش بنای یادبود ساختند. بااینکه مسیر رسیدن به بنای یادبود دشوار است، جک هر سال به آنجا سر می‌زند و برایش گل می‌گذارد.

## زئوس

قدرت: می‌تواند از بدنش الکتریسیته پرتاب کند.

الجن، زئوس (با نام اصلی فرانک) را در خردسالی ربود. او سال‌ها، یکی از نورانی‌های هتچ بود. پس از فرار از آکادمی الجن به الکتروکلن پیوست. زئوس هنوز نمی‌داند که می‌خواهد با زندگی‌اش چه کند و عجله‌ای هم برای تصمیم‌گیری ندارد.

سه واحد ممتاز نظامی الجن



### چاسکی

واژه‌ی چاسکی در گویش باستانی کچوآن، به معنی پیام‌آور روشنایی است. چاسکی یک گروه نظامی ویژه متعلق به الجن در پرو است. مسئولیت‌هایش با نیروگاه استارسورس پرو در پوئرتو مالدونادو<sup>۱</sup> ارتباط مستقیم دارد. مثل واحدهای ممتاز دیگر الجن، مستقل از فرمان الجن فعالیت می‌کند.



### دومگارد

نام دیگر این واحد محفل کهربایی پوش‌ها است. دومگارد نیروی فرامرزی

1. Puerto Maldonado

مخفیانه و بسیار قدرتمندی است که فعالیتش بیشتر شبیه فعالیت فرقه‌هاست تا یک نیروی امنیتی. باورهای رازآلود افراطی و رسم پرستش بچه‌های الکتریکی در این گروه باعث شده است به خطرناک‌ترین واحد ممتاز نظامی تبدیل شود.



### لونگ‌لی

لونگ‌لی (در زبان چینی ماندارینی به معنی قدرت ازدها) یک گروه نظامی ویژه‌ی چینی متعلق به الجن است. فعالیت‌های این گروه به کشورهای نیم‌کره‌ی شرقی از جمله چین، سنگاپور، تایوان، کره، ژاپن، ویتنام، کامبوج، تایلند و فیلیپین محدود می‌شود.



# بخش اول



## مقر فرماندهی چاسکی الجن، پرو (سه سال قبل)

«عالی جناب، الان به خبر محرمانه به دستمون رسید.»  
فرمانده چاسکی بدون آنکه سر بلند کند گفت: «خبر محرمانه! بگو ببینم  
چه خبر محرمانه‌ای داری، ستوان؟»  
«دریاسالار هتچ مرده.»  
الی آماش، فرمانده مقتدر چاسکی، از روی نقشه‌هایی که مشغول  
مطالعه‌شان بود سر بلند کرد. «مطمئنی؟»  
«دیشب به مأمور از فونافوتی مخابره کرد.»  
آماش مشتش را روی میز کوبید. «دومگارد زودتر از ما گرفتش. انتظار  
نداشتم این قدر سریع اقدام کنن.»  
«کار دومگارد نبود، عالی جناب. کار مایکل وی بود.»



فرمانده با تعجب نگاهش کرد. «مایکل وی که مرده.»

«این‌طور فکر می‌کردیم، عالی‌جناب، اما وی زنده‌ست.»

«غیرممکنه، ستوان. خودم دیدم که مرد. روی برج مخابراتی هادس آذرخش بهش خورد، بلافاصله بعدش هم انفجار کل جزیره رو فرستاد هوا. حتی آگه از آذرخش و انفجار جون سالم به در برده باشه، امکان نداره از اون برج سقوط کرده باشه و زنده مونده باشه. بیشتر از شصت متر ارتفاع داشت.»

«توضیحی برایش نداریم، عالی‌جناب، اما تأیید می‌کنیم که وی بوده. چندتا شاهد عینی داریم و یکی از مأمورهامون قبل از اینکه گیر شورش‌های تووالو بیفته یه ویدئو برامون فرستاد. خودم اون ویدئو رو دیدم. واقعاً وی بود، اما قدرتش بیشتر شده بود.»

فرمانده چاسکی به این گزارش فکر کرد. «شاید برخورد آذرخش قدرتش رو بیشتر کرده. از تووالو چه خبر؟»

«اهالی تووالو کنترل کشورشون رو دوباره به دست گرفتن. نیروهای باقی‌مونده‌ی الجن رو پایین کشیده‌ان و نخست‌وزیرشون رو آزاد کرده‌ان.»

«کشتی‌های الجن کجان؟»

«همه غرق شدن، غیر از ادیسون که وقتی شورش شروع شد توی دریا بود. از وضعیت ژول خبری نداریم.»

«بچه‌های الکتریکی هتچ کجان؟»

«از اون‌ها هم هیچ خبری نداریم، عالی‌جناب.»

فرمانده با خودکارش روی میز ضرب گرفت و به اقدام بعدی‌اش فکر کرد.

«خبرهای دیگه‌ای هم هست، عالی‌جناب. هویت صدا رو کشف کردیم.»

«حُب؟»

«صدا همون دکتر کونرات دانشمنده. مخترع ام‌ای‌آی.»

«کونرات هم که فکر می‌کردیم مرده...»

«با کارل وی کار می‌کرده.»

«یه مرده‌ی دیگه. خیلی جالب شد. گروه مقاومت خیلی باهوش‌تر از چیزی بود که فکر می‌کردیم. بیا امیدوار باشیم هتج زنده نشه. اگ‌های هتج چطور؟ تلاشی کرده‌ان اختیار الجن رو به دست بگیرن؟»

«نه. به غیر از ولج همه اسیر اهالی تووالو هستن. می‌تونیم آزادشون کنیم.»

«نه. بذار همون تووالوی‌ها خدمتشون برسن و زحمت ما رو کم کنن.»

«چی دستور می‌فرمایین، عالی جناب؟»

«نیروها رو بفرست تا به تمام نیروگاه‌های استارسورس آمریکای جنوبی حمله کنن. تمام کامپیوترها و پرونده‌ها رو ایمن کنین... بعد سربازها و دانشمندهای الجن رو بیارین به مقر پوئرتو.»

«اگه نیان چی؟»

«سربه‌نیستشون کنین. هرکی با ما نباشه علیه ماست.» چانه‌اش را خاراند.

«یه چیز دیگه. ازت می‌خوام دوتا از نورانی‌ها رو برام بیاری: گریس و تایلور. گریس به تمام اطلاعات الجن دسترسی داره، تمام حساب‌های مخفی رو می‌دونه؛ همین‌طور اسم‌ورسم همه‌ی مأمورهایی رو که هتج بهشون رشوه داده یا تهدیدشون کرده. از همه‌چی خبر داره.»

«می‌دونیم کجاست؟»

«آخرین بار که ازش خبر داشتیم پیش صدا بود.»

«اون یکی نورانی چطور؟ اون چه فایده‌ای برامون داره؟»

«تایلور قدرت‌هایی داره که هنوز خودش هم ازشون سر درنیاورده.»

«چه قدرت‌هایی؟»

«می‌تونه آینده رو ببینه. گریس از تمام اتفاقاتی که در گذشته رخ داده باخبره، اما تایلور می‌دونه در آینده چی پیش می‌آد. باید عجله کنیم. حالا که هتج مرده، دومگارد فوری مشغول شکار نورانی‌ها می‌شه تا بتونه توی مراسم عجیب‌وغریبشون سوژه برای پرستش داشته باشه.» آهسته نفسش را بیرون داد. «می‌خوام بیشتر از مایکل وی بدونم.»

«ترتیبش رو می‌دم، عالی‌جناب. برای گرفتن همه‌ی نورانی‌ها آماده‌باش  
بدیم؟»

«به وقتش. فعلاً فقط تایلور و گریس رو برام بیار. هرکی گریس رو گیر  
بیاره فرمانروای امپراتوری الجن می‌شه، اما هرکی تایلور رو به دست بیاره  
دنیا تو مشتشه.»